

سیاست گران و شکست خورده

عباس عبدی

قانون فرزندآوری با گذشت بیش از دو سال از اجرای آن فرصت مناسبی است که به لحاظ موفقیت و شکست ارزیابی شود. این قانون بسیار پر هزینه و مساله‌دار چه دستاوردی برای جامعه ایران داشته است؟ کل متولدین دو سال 401 و 402 به ترتیب برابر 1.075 و 1.058 میلیون کودک است. این آمار به معنای کاهش 3.7 و 1.6 درصدی زاد و ولد نسبت به سال پیش آنها و نسبت به سال 1395 نیز 31 درصد کمتر شده است. گرچه هنوز آمار مرگ و میر سال 1402 اعلام نشده است، ولی با فرض معقول حدود 440 هزار فوتی، کل جمعیت کشور در سال 1402، حدود 620 هزار نفر افزایش یافته است که با فرض جمعیت 85.6 میلیونی کشور (آمار روز سایت مرکز آمار) این رقم به منزله رشد سالانه 0.73 درصد است و با اصلاح جمعیت اتباع خارجی حدود 0.75 خواهد بود. شواهد نشان می‌دهد که در سال‌های آینده نیز این روند کاهشی ادامه خواهد یافت. رشد سالانه جمعیت در سال 1395، حدود 1.3 درصد بود که اکنون تقریباً نصف شده است. تعداد ازدواج در سال 1402 نیز بیش از 15 درصد کمتر از سال 1400 شده که کاهش بسیار چشمگیری است ضمن اینکه بخشی از این ازدواج‌ها صوری و برای دریافت وام ازدواج است. در مجموع در این دو سال نرخ خام ولادت و ازدواج کاهش داشته و نرخ خام فوت و طلاق افزایش یافته است. جالب‌تر اینکه میانگین سن مردان و زنان در اولین ازدواج هم بالا رفته است. میانگین سن فوتی‌ها هم 6 ماه کم شده که برخلاف روند سال‌های پیش از آن است. نکته مهم‌تر اینکه سیاست و قانون حمایت از فرزندآوری در حال تخریب منطق و طبیعت تشکیل ازدواج و خانواده است به عبارت دیگر مطابق گزارش مقامات رسمی، آمار ثبت احوال نشان داده است که کودکان اول و دوم خانوارها نسبت به گذشته کمتر متولد شده‌اند، ولی کودکان چهارم به بالا در خانوارها بیشتر متولد شده‌اند، این یعنی سیاست فرزندآوری در حال افزایش در جمعیت فقرا و پدر و مادرانی در سنین بالاست و این منجر به اختلال در ساختار خانواده و وضعیت اجتماعی و کاهش ضریب هوشی کودکان خواهد شد و این قانون هیچ کمکی به فرزندآوری طبیعی نکرده و شاید اثرات منفی هم گذاشته که فرزندآوری به جای افزایش، کاهش یافته است. چرا سیاستگذاران و مجلس ایران تا این حد

نامعقول و غیرعلمی سیاستگذاری می‌کنند و در این شرایط بد اقتصادی، مبالغ هنگفتی را صرف کاری می‌کنند که نه تنها فاقد اثربخشی است؛ بلکه اثرات منفی هم دارد؟ چند علت برای این وضعیت وجود دارد. اول اینکه آنان درک علمی از مسایل و به ویژه این مساله ندارند. معمولا خیلی ساده‌انگارانه تحلیل می‌کنند و گمان می‌کنند با قدری پرداخت پول و اعتبار؛ مردم برای ازدواج و فرزندآوری صف می‌کشند. همچنین گمان می‌کنند که مردم فراموش کرده‌اند که فرزند بیاورند، لذا به شکل سطحی و حتی سخیفی اقدام به تبلیغات مختلف فرزندآوری می‌کنند، غافل از اینکه این رفتارها بیش از پیش مردم را از این سیاست منزجر می‌کند. علت دوم رویکرد دخالت‌محور و اراده‌گرایانه آنان است که گمان می‌کنند در هر کاری باید دخالت کنند و هم می‌توانند دخالت کنند و مساله هم حتما حل می‌شود. اینجا به در بسته می‌خورند و توان اندک خود را در مواجهه با واقعیت فرسوده می‌کنند و به جای عقب‌نشینی شجاعانه اقدام به پیشروی بیشتر و البته جبنانه می‌کنند! علت بعدی ناآگاهی از روش‌های علمی و مشورت با کارشناسان خبره است، چون مخالف علم هستند قادر نیستند که از یافته‌های علمی و پژوهش‌های جمعیت‌شناسی استفاده کنند. به همین علت است که اغلب جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان با این سیاست‌ها مخالف هستند؛ چون آن را محصول علم و دانش نمی‌دانند.

در مجموع می‌توان گفت که مساله آنان فرزندآوری نیست، چون واضح است که سیاست‌های پر هزینه و گران آنان شکست خورده است و عقل اقتضا می‌کند که این راه را ادامه ندهند ولی ادامه می‌دهند. چرا؟ زیرا این سیاست از نظر ما و آمار و ارقام رسمی شکست خورده است، ولی از نظر آنان شکست معنا ندارد و همین که قانون فرزندآوری را در قالب اصل ۸۵ و به دور از صحن مجلس و اطلاع مردم به تصویب رساندند و بخش مهمی از منابع مالی کشور را در این راه بیهوده تلف می‌کنند و تورم زیادی را هم به جامعه تحمیل کردند، کافی است که به وظیفه خود عمل کرده باشند، بقیه موارد از جمله اثربخشی سیاست‌ها فاقد اهمیت است. به قول امام جمعه تهران چون انگیزه خیر دارند حتی اگر اشتباه هم کنند، اجر و پاداش می‌برند!!

چندی پیش با یک بنگاه املاک محل که انسان شریفی است، گفت‌وگو می‌کردم، گفت پیش پای شما زوج جوانی آمده بودند تا خانه‌ای با ودیعه ۲۰۰ میلیونی و ۸ میلیون تومان ماهانه اجاره کنند، گفتم چنین واحدی وجود ندارد. دختر به گریه افتاد و گفتند هر کدام بروند نزد خانواده خود زندگی کنند تا آینده چه پیش آید. مشکل اصلی جوانان اینجاست، سقوط اقتصاد و درآمد. منابع کشور را صرف فرزندآوری و انواع کارهای بیهوده می‌کنند ولی از رشد اقتصادی و

ایجاد شغل و مهار تورم غافل هستند. بانک مرکزی اعلام کرد: سال گذشته حدود 200 هزار میلیارد تومان تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج و فرزندآوری پرداخت کرده‌اند. اینها باید سرمایه‌گذاری و تبدیل به شغل و تولید شود. ابتدا باید دنبال کاهش مرگ و میر و افزایش کیفیت زندگی برای زنده‌ها باشید نه آوردن فرزند بدون آینده. اگر به فکر مردم باشید خودشان فرزند می‌آورند و نیازی هم به وام ندارند.

متأسفانه برای بیشتر مسائل ایران در ذیل همین الگو سیاست‌گذاری می‌شود. به همین علت است که منابع وجود دارد ولی تلف می‌شود و نتیجه‌ای به دست نمی‌آید.

منبع: روزنامه اعتماد 27 فروردین 1403 خورشیدی